

ویژه نامه

ناکوک

پرونده‌ای درباره بهره موسیقی از اشعار فروغ فرخزاد

پری خوانی‌های

خانم‌ها پری ملکی و پری
صابری بهترین و مهم‌ترین
استفاده‌ها را از اشعار فروغ در
آثار خود داشته‌اند.

خسرو شکیبایی سرآمد تمام
فروغ‌خوانان و سهراب‌اندیشان
است

همان‌هاست که خود او خوانده. با مثلا «پری خوانی» خسرو شکیبایی که گرچه به توانمندی تمام اجرا شده اما مجری‌اش یک «مرد» بوده و با زنانگی شعر فروغ همخوانی ندارد.

در آسیب‌شناسی اجراها از شعر فروغ فرخزاد به شکل مشخص به دو مورد عمده برمی‌خوریم که نخستین آن همین اجراهای مردانه از شعری زنانه است. «زنانگی» یکی از بارزترین مشخصه‌های شعر این شاعر سنت‌سستیز بوده و به طبع نباید توقع داشت مردان با خواندن اشعار او توفیق چندانی به دست بیاورند. اینجاست که کار خانم‌هایی چون «پری

ملکی» برجسته و قابل بررسی می‌شود. زنانی که روی اشعار فروغ دست گذاشتند چقدر موفق بودند؟ آلبوم شعرخوانی «بیکری گرمی» را شنیده‌اید؟ آلبوم «الهام پاوونزاد» را چطور؟

مورد دوم مسئله‌ای تخصصی و البته قدیمی است که اهالی موسیقی آن را دلیل مهم‌تر می‌دانند. از زبان خانم ملکی بخواهید که می‌گوید: «موسیقی سنتی ایرانی هنوز با شعر نو و شعر سپید به یک زبان مشترک نرسیده‌اند.» این چنین است که اغلب آثار اجرا شده از شاعر با موسیقی از کسترال با باب غربی بوده و اشعار انتخاب شده هم نه از دفترهای متأخر او - که فروغ را فروغ کردند - بلکه از چند دفتر شعر اولیه‌اوست که در قالب‌های نظم سنتی (چهارپاره، غزل) نوشته شدند و حتی خود شاعر هم اعتقاد داشت باید آن‌ها را فراموش کرد. در صفحات پیش رو، نگاهی داریم به این قطعات و با چند نفر از اهالی هنر که توجه ویژه‌ای به فروغ فرخزاد و اشعارش داشتند گفتگو کردیم. حدود نیم قرن پس از بالا گرفتن شعله فروغ شاید این مکاشفه کمی دیر به نظر برسد اما در برابر بی‌اعتنایی عمدی و سیستماتیک موجود علیه این شاعر به شدت ضروری است.



مزدک علی نظری
روزنامه‌نگار

گفته‌اند که فروغ آسانی شککنده بود اما آنچه به عنوان هنر این زن برجای مانده به درخت نساوری می‌ماند که به آسانی می‌شود بر بیکر استوار آن تکیه زد و در مقام مخاطب بهره برد و در جایگاه هنرمند بیایی از آن الهام گرفت. در میان شاخه‌های مختلف هنر به نثرها و الهامات از شخصیت فروغ فرخزاد به خصوص اشعار او برمی‌خوریم. اما هنر موسیقی آن شاخه اصلی است که انتظار می‌رود بیش‌ترین بدهیستان را با فروغ داشته باشد. از او گرفته باشد و به او پیشکش کرده باشد. ولی مروری کوتاه بر آنچه که تاکنون

شنیده‌ایم، به ما می‌گوید که چنین هست و چنان نیست! خوانندگان و گروه‌های مختلف چندین بار مثلا «آفتاب می‌شود» را خوانده‌اند. نام‌ها پشت هم ردیف است و آسار می‌گوید ده‌ها نفر از نامداران و جماعتی بزرگ از دیگر خوانندگان اشعار فروغ را اجرا کرده‌اند. سال به سال فهرست این قطعات طولانی‌تر می‌شود و حتی چند آلبوم تمام و کمال با اشعار او ضبط و منتشر شده‌اند اما کدام‌یک را می‌شود از لحاظ کیفیت شایسته نام بلند فروغ فرخزاد دانست؟ آلبوم جدید «علیرضا قربانی» مثال خوبی است. من هم مثل اغلب شما صدای قربانی را دوست دارم و مثل خیلی از شما این کار آخرش را نپسندیدم. چرا آلبومی که نام هیجان‌انگیز «فروغ» را بر جلد دارد و با شعر فروغ آغاز می‌شود، با شعر فروغ پایان می‌گیرد. در ادای حق مطلب ناموفق است؟ چرا این ناکامی به یک خواننده محدود نیست و اکثر آثار آن فهرست بلندبالا که گفتیم، کارهایی متوسط و حتی ضعیف از آب در آمده‌اند؟ تصور می‌رود اینجا همان جایی باشد که صدای مخالفت بعضی از شما بلند شود و قطعاتی را نام ببرید که در ذهن‌تان مانده، دوست داشتید یا شایسته می‌دانید. اما این آثار چند تا هستند؟ هنوز بهترین دکلمه‌ها از اشعار فروغ